

شماره یا نام مصحح اول	نمره عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۳۴۰۰۱/۰۹
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۱۰/۱۳
عنوان:	اصول ۱
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	جزء اول: از ابتدای درس اول تا پایان درس ۳۶ (از ابتدای کتاب تا ابتدای دلیل شرعی غیرلفظی)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلکبی: ..... مدرسه علیّه: .....

۰/۵

۱- بنا بر نظر شهید صدر (ره) کدام یک از مراحل ثبوت حکم تکلیفی، ضروری نیست؟

- الف. المصلحة.       ب. الملاکة.   
 ج. الاعتبار.       د. الارادة.

۰/۵

۲- دلیل مرحوم خویی (ره) بر «تبعیة الدلالة الإلتزامیة للدلالة المطابقیة فی الحجیة» چیست؟

- الف. انّ الکاشفیة فی الدلاتین علی اساس نکته واحدة.   
 ج. انّ العلم التعبدی الجعلی یتقدّر بمقدار الجعل.   
 ب. انّ المدلول الإلتزامی یساوی المدلول المطابقی.   
 د. انّ جعل العلمیة یوجب حجیة کلی المدلولین.

۰/۵

۳- به نظر مرحوم خوئی (ره) موضوع له جملات ناقصه چیست؟

- الف. المدلول التصدیقی الثانی.   
 ج. المدلول الوضعی.   
 ب. قصد اخطار المعنی.   
 د. النسبة الناقصة.

۰/۵

۴- در صورتی که اسم جنس بر «لابشروط قسمی با لحاظ تمییز از بشرط لا و بشرط شیئی» وضع شده باشد، چه نتیجه‌ای دارد؟

- الف. لا یمكن التمسک بالاطلاق الا بالقرینة.   
 ج. یكون الاطلاق مدلولاً وضعیاً.   
 ب. لا یمكن التمسک بالاطلاق اصلاً.   
 د. یصیر مدلول اللفظ امراً ذهنیاً.

۰/۵

۵- چه ویژگی در «مفهوم»، آن را از قاعده «احترازیة قیود» متفاوت می‌سازد؟

- الف. یتضمّن انتفاء طبیعی الحکم.   
 ج. انه من المدالیل الإلتزامیة.   
 ب. یتضمّن انتفاء شخص الحکم.   
 د. انه من المدالیل المطابقیة.

۰/۵

۶- در کدام مورد شرط محقق موضوع است؟

- الف. اذا ذهب الی المسجد فصلّ.   
 ج. إذا وجدت مالاً فتصدّق به.   
 ب. اذا تريد قراءة القرآن فتوضأ.   
 د. إذا رأیت الاستاد فکرمه.

۷- مراد از اشکال مطرح در عبارت: «بأنه لا يشمل الاصول العمليّة؛ لأنها مجرد أدلّة عملیة و ليست أدلّة محرزة، فلا یثبت بها الحکم الشرعی، و إنما تحدّد بها الوظیفة العمليّة» بر تعریف علم اصول را تبیین کرده، صاحب کفایه چگونه این اشکال را رفع می‌کند؟

۲

پاسخ: برخی بر تعریف مشهور از علم اصول اشکال کرده اند که اصول عملیه از تعریف خارج می‌شود، زیرا در تعریف مشهور آمده است:

«العلم بالقواعد الممهّدة لاستنباط الحکم الشرعی» در صورتی که اصول عملیه به دلیل اینکه محرزه نیستند یعنی ناظر به واقع نیستند و صرفاً در مقام شک، رفع

حیرت می‌کنند، اثبات حکم شرعی نمی‌کنند و مثبتات آنها صرفاً معدّر و منجز است. (۱ نمره)

صاحب کفایه (ره): با قید (أو التی ینتهی إليها فی مقام العمل) اصول عملیه را داخل در تعریف می‌نماید. (۱ نمره)

۸- مراد شهید صدر (ره) در عبارت: «انّ مبادئ الاحکام الظاهریة هی نفس مبادئ الاحکام الواقعیة» را به طور کامل تبیین نمایید.

۲

پاسخ: احکام واقعیه مانند حرمت، وجوب، اباحه اقتضائیه دارای مبادی و ملاکات هستند و هنگامی که مباحات و محرّمات به دلیل

عدم علم مکلف غیر قابل تمییز باشند، حکم حرمت و اباحه تغییر نمی‌کند به عبارتی مباح به دلیل عدم علم مکلف مبعوض نمی‌شود و حرام نیز مبعوضیتش

اسقاط نمی‌گردد، اما مولا در مقام توجیه مکلفینی که مباحات و محرّمات نزد آنها مخلوط است دو راه دارد یا محتمل الحرمة را منع کند و اگر منع کند

به این دلیل نیست که محتمل الحرمة نزد شارع مبغوض است بلکه به خاطر ضمان محرّمات واقعیه است و یا محتمل الحرمة (محتمل اباحه) را ترخیص کند، البته اگر اباحه واقعیه دارای ملاک اقتضایی باشد و این به این معنا نیست که محتمل الاباحه، مباح است واقعاً بلکه به دلیل ضمان این ملاک یعنی آزادی مکلف، در هر آنچه محتمل الاباحه است ترخیص می‌دهد. حال اگر در نظر مولی ملاک اباحه اقتضایی اقوی و اهمّ بود در احتمالات حکم به ترخیص می‌دهد و اگر ملاک محرّمات واقعیه اقوی و اهمّ بود حکم به حرمت می‌دهد.

۹- علم اجمالی با علم تفصیلی چه فرقی دارد، که شهید صدر (ه) ورود ترخیص جادّ از جانب مولی را در یکی معقول و در دیگری نامعقول

می‌داند؟

**پاسخ:** در علم تفصیلی ما علم داریم که در واقع فقط ملاکات الزامیه وجود دارد و ملاکات اباحه اقتضاییه وجود ندارد تا با این ملاکات الزامیه خلط شود و در تشخیص وظیفه دچار مشکل شویم، لذا شکّی نیست تا مرتبه حکم ظاهری محفوظ باشد. بر خلاف علم اجمالی که در کنار علم به ملاکات الزامیه امکان علم به ملاکات ترخیصیه هم هست، لذا بین آن‌ها خلط می‌شود و امکان دارد شارع با جعل حکم ظاهری اباحه یا احتیاط، ملاک اهمّ خود را برای ما روشن کند. [به عبارت دیگر در علم تفصیلی امکان توجه مخاطب به ترخیص جدی وجود ندارد بر خلاف علم اجمالی که امکان توجه ترخیص جدی موجود است.]

۱۰- عبارت: «أنه قد فرض أنّ العقل يحكم بلزوم امتثال طلب المولى معلقاً على عدم الترخيص من الشارع، و حينئذٍ تتسائل: هل يراد بذلك كونه معلقاً على عدم اتصال الترخيص بالأمر أو على عدم صدور الترخيص من المولى واقعاً و لو بصورة منفصلة عن الأمر أو على عدم إحراز الترخيص و يقين المكلف به؟ و الكل لا يمكن...» را که نقدی بر تفسیر محقق نایینی (ه) درباره «دلالت امر بر وجوب» است را به همراه وجه عدم امکان ثبوت دوم تبیین نماید.

**پاسخ:** محقق نایینی (ه) فائند که دلالت امر بر وجوب به دلیل عقلی است یعنی مدلول امر، فقط طلب است و هر طلبی که از مولا صادر شود و مقرون به ترخیص مولا در مخالفت آن نباشد عقل حکم به لزوم امتثال آن امر می‌کند، شهید صدر (ه) اشکال می‌کنند که سه احتمال در معلق بودن بر عدم ترخیص مطرح می‌کنند. ۱- معلق بر عدم اتصال ترخیص به خطاب امر است. ۲- منظور عدم صدور ترخیص از جانب مولی ولو به نحو منفصل از امر است. ۳- سمّلق بر عدم احراز ترخیص و یقین مکلف نسبت به آن است؟ که هر سه محال است؛ (۱/۵ نمره) اما دوم: مستلزم عدم احراز وجوب هنگام شک در ترخیص منفصل است، زیرا وجوب نتیجه حکم عقل به لزوم امتثال است و در صورت شک در ترخیص منفصل، حکم به لزوم امتثال مشکوک است و در نتیجه وجوب مشکوک است. (۰/۵ نمره)

۱۱- قدر متیقن در مقام تخاطب را در قالب مثال توضیح دهید. نظر صاحب کفایه درباره مانعیت یا عدم مانعیت آن از دلالت کلام بر اطلاق چیست؟

جواب: هرگاه از متکلم کلامی به صورت مطلق صادر شود و خود کلام در تطبیق بر یکی از حصه‌ها یا بخش‌ها صریح باشد قدر متیقن در مقام تخاطب نام دارد. (نمره ۰/۷۵) مثال: هرگاه یک حصه یا بخش خاص مورد سؤال قرار گیرد، اما جواب به صورت مطلق بیان شود، مثلاً از مولا درباره اکرام فقیر عادل سؤال شود اما مولا به صورت مطلق بگوید: اکرم الفقیر. (۰/۷۵ نمره)

نظر صاحب کفایه: مانع از دلالت کلام بر مطلق است، زیرا مراد مولا مختص به قدر متیقن یعنی فقیر عادل در مثال است و کلام او وافی به قدر متیقن است و لزومی ندارد آنچه که بیان نکرده را اراده کند. (۰/۵ نمره)